

بررسی جایگاه راویان روایات ذمّ مختار بن ابی عبیده ثقفی در کتب رجالی شیعه

سیف الله خیام پور¹

فرزاد حیدری نسب²

چکیده

شخصیت و زندگی مختار ثقفی در ابهامات فراوانی فرو رفته و پرسش‌های زیادی در این ارتباط مطرح است. نگاهی گذرا بر متون تاریخی - روایی و رجالی شیعه دسته‌ای از روایات را نشان می‌دهد که حاوی تصاویری مذمّت گونه از مختار ثقفی می‌باشند. بدون شک این روایات آن هنگام که در کنار روایاتی که مختار ثقفی را مدح نموده‌اند قرار گیرند، ذهن هر پژوهشگری را با سوالات و ابهاماتی روبه رو خواهند کرد. لذا در این پژوهش به بررسی جایگاه راویان روایات ذمّ مختار ثقفی در کتب رجالی شیعه پرداخته می‌شود تا بدین وسیله سوای از نقد محتوایی این دسته از روایات، میزان وثاقت و جایگاه این راویان در کتب رجالی شیعه مشخص گردد. یافته‌های این پژوهش توثیق اکثری راویان روایات ذمّ مختار ثقفی در کتب رجالی شیعه را نشان می‌دهد. از 23 راوی‌ای که در سلسله سند این روایات وجود داشت، 16 راوی توثیق شده و 7 راوی دیگر مجهول یا اختلافی هستند.

واژگان کلیدی: مختار ثقفی، کتب رجالی شیعه، روایات ذمّ.

A Study on the Narrations Criticizing Mokhtar ibn Abi 'Obayda Thaqafi in the Rijali Shia Books

Saifollah Khayampour³

Farzad Haidari nasab⁴

Abstract

Mokhtar's personality and the vagueness which exists regarding his life has always caused an irrefragible connection in the mind. A quick look at historical, narration and rijali Shia books shows narrations which condemn or criticize Mokhtar Thaqafi. Without doubt, when these hadiths are compared with the hadiths that praise Mokhtar, any scholar's mind is filled with questions. Therefore, this study examines the authenticity of the narrators of the hadiths which criticize Mokhtar, so that the authenticity of these narrations in Shia Rijali books, regardless of their content, becomes clear. The result proves the authenticity of most of the narrations condemning Mokhtar alThaqafi in Shia Rijali books. Of the 23 narrators who have been mentioned in the chain of narrators, 16 one of them are authentic, the rest being unknown or disputed.

Key Words: Mokhtar Thaqafi, Shia Rijali Books, Condemning Narrations

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شهیدبهبشتی.

2. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شهیدبهبشتی.

3. MA Student of the History, Shahid Beheshti University. E.Mail: khayampoorsaeid@gmail.com

4. MA Student of the History, Shahid Beheshti University. E.Mail: farzadgreat@gmail.com

مقدمه

مختار ثقفی از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران به دلیل انتقام از سران سفاک و قاتلان شهدای کربلا، در تاریخ اسلام از اهمیت والایی برخوردار است. درباره رهبر این قیام پیروز، دیدگاه‌ها و سخنان متفاوت و گاه متضادی بیان شده است. شخصیت مختار ثقفی تا امروز که در قرن بیست و یکم قرار داریم با وجود پژوهش‌های بسیار در مورد این شخصیت همچنان درهاله‌ای از ابهام است. پژوهش‌های صورت گرفته غالباً بر روایات سازنده شخصیت مختار با نگاه غیرانتقادی تکیه کرده‌اند، بدین صورت که انبوهی از روایات را بدون آنکه به نقد و بررسی سندی و محتوایی بپردازند، گردآوری کرده و به تشریح آنان پرداخته‌اند. از این‌رو همواره دو گونه تصویر ناهمگون از شخصیت مختار ثقفی نمایان شده است که تصویری مبهم را برای پژوهشگران تاریخ به ارمغان آورده است؛ روایاتی در مذمت وی کوشیده‌اند و روایاتی دیگر در مدح وی.

در این پژوهش ابتدا نگاهی گذرا بر ادوار نگارش کتب رجالی شیعه خواهد رفت؛ سپس پنج روایت از دو کتاب اختیار معرفة الرجال معروف به رجال الکشی و بحار الانوار علامه مجلسی که حاوی تصویری مذمت گونه از مختار ثقفی می‌باشند انتخاب شده و با استفاده از اهم کتب رجالی شیعه همچون طبقات الرجال (رجال برقی)، رجال النجاشی، رجال ابن غضائری، الفهرست و رجال الطوسی، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، رجال ابن داوود، رجال العلامة الحلی (خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال) و معجم رجال الحديث آیت الله خوئی به اعتباریابی جایگاه سلسله راویان این روایات پرداخته خواهد شد. نکته‌ای که تذکر آن در اینجا ضروری می‌نماید این است که تکیه بر کتب رجالی در نقد و بررسی روایات و اعتباریابی اشخاص ناقل روایات بلا شک تاثیرگذار است، اما به هیچ رو نباید از این حقیقت غافل بود که نمی‌توان با تکیه بر این منابع به جزم سخن گفت چرا که اعتباریابی راویان در کتب رجالی بر اساس مکاتب مختلفی که نگارنده‌های کتب رجالی در هر دوره از آن تاثیر پذیرفته اند صورت گرفته است، لذا باید با احتیاط قدم پیش نهاد و در فرصتی مناسب تاثیرات مکاتب مختلف بر نوع اعتباریابی اشخاص ناقل حدیث و ملاک‌های توثیق مورد توجه قرار گیرند.

نگاهی بر ادوار نگارش کتب رجالی شیعه

منابع رجالی شیعه را از نظر ادوار تاریخی و نیز میزان تأثیر گذاری می‌توان به سه دسته منابع اولیه رجال شیعه از سده‌های سوم تا پنجم، منابع ثانویه رجال شیعه، از سده ششم تا هشتم و

منابع متأخر رجال شیعه که از سده دهم تا سده کنونی نگاشته شده تقسیم کرد. دسته نخست، کتب رجال همچون رجال کشی،⁵ نجاشی،⁶ رجال شیخ طوسی،⁷ فهرست شیخ طوسی،⁸ رجال برقی، رساله ابو غالب زراری و رجال ابن غضائری را شامل می‌شود. دسته دوم نیز شامل فهرست شیخ منتجب الدین، معالم العلماء ابن شهر آشوب، رجال ابن داود⁹ و خلاصه الاقوال علامه حلی¹⁰ می‌باشد. مجمع الرجال قهپائی، نقد الرجال تفرشی، جامع الرواه اردبیلی، رجال سید بحر العلوم، تنقیح المقال مامقانی،¹¹ قاموس الرجال تستری (شوشتری) و معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی¹² نیز در دسته سوم قرار می‌گیرند. اینک به معرفی آنچه از کتب رجالی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است پرداخته می‌شود.

منابع اولیه رجال شیعه (سده سوم تا پنجم)

1. رجال کشی (م حدود 340)، محمد بن عمر بن عبدالعزیز معروف به کَشّی دارای کتاب رجالی مهمّی بوده که برای نخستین بار درباره رجال شیعه تدوین یافت و به نام معرفه الرجال یا معرفه الناقلين عن الاثمه الصادقين معروف است. در آغاز کتاب با آمدن 11 روایت از ارزش و اهمیت فراگیری حدیث سخن به میان آمده، سپس اسامی رجال شیعه را از دوران پیامبر - صلی الله علیه و آله - تا عصر امام‌هادی و عسکری - علیهما السلام - و بر اساس سیر تاریخی برشمرده و شماری از روایات هر یک را منعکس ساخته است. در این کتاب از 1151 راوی گفت و گو شده است.

2. رجال نجاشی (م 450)، نام کامل این کتاب فهرس اسماء مصنّفی الشیعه است که از آن با عنوان فهرست یا رجال نجاشی نیز یاد می‌شود. ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی اسدی کوفی مؤلف کتاب از بزرگان و نام‌آوران حدیث و رجال شیعه است. در عظمت و

5. محمد بن عمر کَشّی، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی (تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، 1388).

6. احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی (قم: جامعه مدرسین، 1407 ه.ق).

7. ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، رجال الشیخ الطوسی (نجف: انتشارات حیدریه، 1381 ه.ق).

8. ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، الفهرست (نجف: المکتبه المرتضویه، بی تا).

9. تقی الدین ابو محمد حسن بن علی بن داوود حلی، رجال ابن داود (تهران: دانشگاه تهران، 1383 ه.ق).

10. حسن بن یوسف علامه حلی، الخلاصه للعلامه الحلی (قم: دار الذخائر، 1411 ه.ق)، ص 3/126.

11. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج 1 (نجف: مطبعه مرتضویه، 1349).

12. السید ابوالقاسم الخوئی، معجم رجال الحدیث، ج 15 (قم: مرکز نشر آثار شیعه، 1410 ه.ق).

جایگاه علمی نجاشی همین بس که کتاب رجال او به عنوان بهترین منبع اولیه رجال شیعه قلمداد شده و عموماً دیدگاه او به عنوان قول فصل در بررسی راویان مورد توجه قرار می‌گیرد. در رجال نجاشی تنها رجال شیعی آمده و از راویان اهل سنت تنها در مواردی که روایاتی را از شیعه نقل کرده، یا کتابی در خدمت به فرهنگ شیعه نگاشته؛ نظیر مدائنی و طبری نام برده است. او غالباً به جرح و تعدیل راویان پرداخته است، هر چند در برخی از موارد از مدح و ذم آنان سکوت کرده است. در این کتاب 1269 راوی مورد بررسی قرار گرفته است.

3. رجال شیخ طوسی (م 460)، این کتاب و نیز فهرست شیخ چنان که از مقدمه کتاب پیدا است، بنا به درخواست الشیخ الفاضل فراهم شده است. کتاب دارای 13 باب و شمار راویان ذکر شده در آن 6429 راوی است. شیخ در این ابواب به ترتیب، اسامی راویان صحابه، راویان امیرالمؤمنین - علیه السلام - راویان امام حسن مجتبی - علیه السلام - و غیره را برای تسهیل به ترتیب حروف الفبا آورده و در آخرین باب نام کسانی را که از هیچ امامی روایتی نقل نکرده اند آورده است. در پایان هر باب پس از حروف یاء (آخرین راوی) در دو بخش نام صاحبان کنیه و نیز زنان راوی را منعکس ساخته است.

گویا شیخ می‌خواسته مجموعه‌ای از راویان ائمه - علیهم السلام - را بدون در نظر گرفتن مذهبشان در این کتاب بیاورد. بدین جهت اسامی اشخاصی؛ هم چون معاویه و عمرو عاص به عنوان راویان پیامبر - صلی الله علیه و آله - یا عبیدالله بن زیاد را به عنوان صحابه حضرت امیر - علیه السلام - آورده است.

4. فهرست شیخ طوسی (م 460)، این کتاب بر اساس حروف الفباء تنظیم شده و 912 راوی در آن معرفی شده‌اند. نخستین راوی ابراهیم بن محمد ابن ابی یحیی و آخرین راوی ابن عصام است. هدف شیخ از تألیف این کتاب ضبط اسامی صاحبان کتاب، یا اصل بوده است، اما از آنجا که در کنار ذکر نام آنان، عموماً به جرح و تعدیل آنان پرداخته به عنوان منبع رجالی شناخته شده است. شیخ طوسی در مقدمه کتاب می‌گوید: گرد آوری فهرست کتب پیش از او به صورت ناقص انجام می‌شده و او کوشیده است تا آن را تکمیل کند. شیخ از دو کتاب ابوالحسین احمد بن حسین بن عبیدالله (معروف به ابن غضائری) که یکی ناظر به اصول و دیگر مربوط به مصنفات بوده، نام می‌برد. این کتاب‌ها به رغم برخورداری از جامعیت نسبی در اثر کوتاهی ورثه از بین رفته است.

5. رجال برقی (م 274 یا 280)، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی از عالمان شیعی سده سوم است. او اصالتاً کوفی است. جدّ او محمد بن علی پس از شهادت زید توسط حاکم وقت کوفه؛ یعنی یوسف بن عمر حبس و سپس به شهادت رسید. به دنبال این ماجرا برقی همراه برادرش عبدالرحمان به یکی از روستاهای اطراف قم به نام برق رود متواری شد. رجال برقی بسان رجال شیخ بر اساس ادوار تاریخی ابتدا اسامی اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله - و حضرت امیر - علیه السلام - و سپس راویان سایر ائمه تا امام زمان - علیه السلام - تنظیم شده و در پایان نام 12 تن از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله - را که در روز جمعه و در مسجد پیامبر - صلی الله علیه و آله - به ابوبکر اعتراض کرده اند، آورده است. در این کتاب مجموعاً نام 1707 راوی آمده است و با تحقیق جواد قیومی در یک جلد انتشار یافته است.

6. رجال ابن غضائری (م حدود 450)، احمد بن حسین بن عبیدالله معروف به ابن غضائری از عالمان شیعی در سده چهارم و پنجم است. پدر او حسین بن عبیدالله اسدی واسطی (م 411) از بزرگان و مشایخ مشهور شیعه است که شیخ طوسی از او با عنوان: کثیر السماع (کسی که حدیث زیادی شنیده است)، عارف بالرجال (آگاه به علم رجال) یاد کرده است. تاریخ وفات ابن غضائری مشخص نیست، اما با عنایت به عمر کوتاه او (کمتر از 40 سال) و تاریخ وفات پدر می توان آن را حدود سال 450 هجری دانست.

از کتاب ابن غضائری با عناوین «الجرح» و «الضعفاء» نیز یاد شده، اما عنوان رجال مشهورتر است. و درباره این که آیا کتاب، تألیف حسین بن عبیدالله غضائری است، یا فرزند او احمد بن حسین است، اختلاف شده، اما قرائنی در دست است که نشان می دهد کتاب، تألیف ابن غضائری است. گفته شده که ابن غضائری در تضعیف راویان بسیار افراط کرده و کمتر راوی ای است که در کتاب او توثیق شده باشد. سید داماد در این باره می گوید: کمتر کسی از جرح ابن غضائری در امان مانده و کمتر ثقه ای از قدح او رسته است. در این کتاب 225 راوی مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع ثانویه رجال شیعه (سده ششم تا هشتم)

1. رجال ابن داوود (م 707)، تقی الدین حسن بن علی بن داوود حلّی در سال 647 در حلّه تولد یافت و در سال 707 چشم از جهان فرو بست. این کتاب در برگزیده دیدگاه رجال شیخ طوسی،

کشی، نجاشی، برقی، غضائری و غیره است که به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. کتاب در دو بخش فراهم آمده: بخش نخست به معرفی موثقین و مهملین اختصاص یافته و در بخش دوم اسامی مجروحین و مجهولین انعکاس یافته است؛ زیرا از نگاه مؤلف، شایسته آن است که نخست از موثقین یاد شود. مؤلف در آغاز، طرق خود به شیخ طوسی، شیخ صدوق، شیخ مفید و غیره را تبیین نموده است.

2. خلاصه الاقوال علامه حلّی (م 726)، حسن بن یوسف مطهر علامه حلّی متولد سال 648 و متوفای 726 یکی از برجسته ترین عالمان شیعی است که شخصیت علمی او شهره آفاق بوده و در زمینه های مختلف علوم اسلامی، به ویژه فقه، کلام و رجال دارای آثار گرانقدری است. علامه حلّی در زمینه رجال دارای کتاب مفصلی بود به نام کشف المقال فی معرفه الرجال که خود از آن با عنوان رجال کبیر یاد می کند اما متأسفانه این کتاب مفقود شده و کتاب خلاصه الاقوال تلخیصی از آن است. علامه حلّی این کتاب را در دو بخش تنظیم کرده است: بخش نخست مربوط به راویان ثقه و بخش دوم ناظر به متوقفین است. یعنی کسانی که نمی توان به روایاتشان عمل نمود.

مصادر متأخر رجال شیعه (سده دهم تا سده کنونی)

1. تنقیح المقال فی علم الرجال، شیخ عبدالله مامقانی (م 1351)، بدون تردید کتاب تنقیح المقال یکی از بهترین و محققانه ترین منابع رجالی شیعه است که توسط حدیث پژوه سختکوش و نامی، مرحوم مامقانی به رشته تحریر درآمده است. مؤلف در مقدمه کتاب توضیح می دهد که هنگام تألیف مقباس الهدایه وعده نگارش کتابی در رجال را داده و اینک پس از گذشت چند سالی با فراهم آوردن تمام منابع رجالی پیشین توفیق انجام این کار را یافته است. مؤلف در مقدمه ای مبسوط به بررسی برخی از مباحث علم رجال، نظیر چگونگی مراجعه به کتب رجالی، موالید و وفیات ائمه - علیهم السلام - بی نیازی مشایخ اجازه از توثیق، عدم وثوق به جرح و تعدیل منابع فقهی و غیره پرداخته است. از ابتکارات ستودنی علامه مامقانی در این کتاب آن است که پیش از ورود به مباحث اصلی کتاب در رساله ای با عنوان نتائج التنقیح فی تمییز السقیم من الصحیح فهرست کامل راویان ذکر شده در کتاب خود را که شمار آنان 13365 راوی است، با ذکر نتیجه نهائی، دیدگاه خود درباره وثاقت یا عدم وثاقت راوی منعکس ساخته است. مؤلف در بررسی

رجالی هر یک از راویان، نخست با آوردن عنوان الضبط ضبط صحیح، اسامی آنها را ذکر می‌کند و با آوردن عنوان ترجمه به شرح حال آنان می‌پردازد.

2. معجم رجال الحدیث، آیت الله سید ابوالقاسم خویی (معاصر)، نام کامل این کتاب: معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه است. کتاب معجم رجال الحدیث را آخرین و کامل ترین منبع رجال شیعه می‌توان برشمرد، این کتاب در 24 جلد منتشر شده است. مؤلف در مباحث مقدماتی به صورت غیر مبسوط مهم ترین مباحث رجالی؛ از قبیل اصول رجالی شیعه، میزان صحت روایات کتب اربعه، توثیقات عامه، توثیقات خاصه و غیره را مورد نقد و بررسی قرار داده است. مهم ترین ویژگی این کتاب که آن را از این جهت از سایر منابع رجالی ممتاز می‌سازد، آن است که مؤلف در کنار بررسی رجالی راویان که در سایر منابع رجالی پیشین متداول است، فهرست کاملی از روایات او را در کتب اربعه حدیثی شیعه و در مواردی عین روایات او را منعکس ساخته است؛ زیرا معتقد است این امر ضمن مشخص ساختن طبقه راویان، جایگاه روایی او را نیز مشخص می‌کند. در این کتاب 15706 راوی به طور مبسوط مورد بررسی قرار گرفته اند.

متن

بدون شک توثیق یا عدم توثیق راویان هر روایتی در نوع نگاه به آن روایت بسیار حائز اهمیت است. توثیق سلسله راویان یک روایت از سوی کتب رجالی ملاکی مهم در توجه بیشتر به یک روایت می‌باشد، همانگونه که عدم توثیق سلسله راویان یک روایت می‌تواند ملاکی برای توجه کمتر به آن روایت شود. و این امر باعث می‌شود تا حدودی تصویری روشن از اعتبار روایاتی که حادثه ای را برای ما تصویر سازی می‌کنند، به دست آید، تا بتوان بدین وسیله برخی تعارضات روایات را برطرف کرد. روایات بازگو کننده شخصیت مختار ثقفی همواره در تعارض با یکدیگر بوده‌اند: دسته‌ای وی را مدح و دسته دیگر ذم نموده اند، گاهی منتقم شهدای کربلا و قهرمانی شیعه و گاهی فردی کذاب. بدون شک علل مختلفی در شکل گیری این تعارضات وجود داشته است. یکی از راههایی که می‌تواند در حل این تعارضات کمک کند اعتبارسنجی جایگاه راویان روایات معرفی کننده مختار ثقفی در کتب رجالی می‌باشد، خواه روایات مدح و خواه ذم.

روایت نخست

در پنج روایت منتخب، مختار شخصیتی کذاب و داری عقیده باطل معرفی شده که به جهنم رفته و سپس توسط امام حسین (ع) نجات یافته است. در روایت نخست از قول امام صادق (ع) آمده: مختار بر امام سجاد (ع) دروغ می‌بسته است، متن کامل روایت از این قرار است: «محمد بن الحسن و عثمان بن حامد قال حدثنا محمد بن یزید الرازی عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن عبد الله المزخرف عن حبيب الخثعمی عن أبي عبد الله (ع) قال: كان المختار يكذب على علي بن الحسين (عليهما السلام).»¹³ سلسله راویان این روایت از محمد بن الحسن آغاز می‌شود و به امام صادق (ع) ختم می‌شود. طبق این روایت مختار شخصیتی معرفی شده است که بر امام سجاد (ع) دروغ می‌بسته است. در سلسله راویان این روایت هفت راوی وجود دارد که به بررسی جایگاه آنان می‌پردازیم:

نخستین راوی محمد بن الحسن می‌باشد، آیت‌الله خوئی در معجم رجال‌الحدیث خویش می‌نویسد: شخصی با این عنوان در کثیری از اسانید که به 604 مورد می‌رسد، ذکر شده است.¹⁴ وی در ادامه می‌افزاید محمد بن الحسن در بین جماعت مشترک است و راه تشخیص آن به واسطه کسانی است که وی از آنها نقل روایت کرده و یا از او روایت نقل کرده اند.¹⁵ کتب رجالی¹⁶ دیگر نیز ذیل عنوان محمد بن الحسن، توضیح خاصی ارائه نکرده اند، تا بتوان مشخصا جایگاه این راوی را در بین کتب رجالی شیعه مشخص نمود. در کتب رجالی اهل تسنن نیز راویان بسیاری با عنوان محمد بن الحسن یافت شد. در نتیجه باید اذعان داشت که محمد بن الحسن در بین کتب رجالی شیعه و سنی مجهول است.

راوی دیگر عثمان بن حامد، کنیه اش اباسعیدالوجینی¹⁷ (الرجیبی،¹⁸ الوحشی، الوجیبی¹⁹) و از مردم کش²⁰ می‌باشد.²¹ شیخ طوسی وی را توثیق می‌کند و از کسانی بر

13. کشی، ص 125.

14. خوئی، ص 193.

15. «أقول محمد بن الحسن هذا مشترك بين الجماعة و التمييز إنما بالراوی و المروری عنه»؛ خوئی، ج 15، ص 199.

16. نک: رجال شیخ طوسی؛ الفهرست شیخ طوسی؛ رجال نجاشی؛ رجال الکشی؛ رجال البرقی؛ الخلاصه علامه حلی؛ رجال

ابن داوود.

17. شیخ طوسی، رجال، ص 6/429.

18. علامه حلی، ص 3/126.

19. خوئی، ج 11، ص 107.

می‌شمارد که از ائمه روایت نقل نکرده‌اند.²² شیخ اضافه می‌کند که کشی از وی نقل روایت کرده است. علامه در الخلاصه نیز وی را توثیق کرده است.²³ همچنین بر اساس معجم رجال الحدیث آیت الله خوئی وی از محمد بن یزید که از اصحاب امام حسن عسکری (ع) می‌باشد،²⁴ نقل روایت کرده است. براساس مطالب ذکرشده ظاهراً کشی وی را تایید می‌کرده و شیخ طوسی و علامه حلی نیز وی را توثیق نموده‌اند.

دیگر راوی محمد بن یزید ابی الرازی است، وی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) می‌باشد، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب نقل روایت کرده است.²⁵ کشی در مورد وی می‌گوید: «از ابانصر (نصر) محمد بن مسعود در مورد محمد بن یزید پرسیدم، وی گفت: مشکلی بر او وارد نیست.»²⁶ در الخلاصه نیز همین مطلب آمده است.²⁷ ظاهراً ثقه، امامی و صحیح المذهب است. شیخ طوسی وی را در شمار کسانی می‌آورد که از ائمه (ع) نقل روایت نکرده‌اند.²⁸

چهارمین راوی محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، مکنی به ابوجعفر الزیّات الهمدانی است. نجاشی وی را عظیم القدر، کثیرالروایه، ثقه، عین، حسن التصانیف دانسته و می‌گوید وی از بزرگان اصحاب ماست.²⁹ شیخ طوسی نیز وی را توثیق می‌کند³⁰ و همچنین وی را از اصحاب امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) بر می‌شمرد.³¹

20. برخی معتقدند که کش نام شهری در ماوراء النهر، میان سمرقند و بلخ است؛ نک: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج 4 بیروت: دار صادر، 1995، ص 277.

21. شیخ طوسی، رجال، ص 6/429.

22. (یکنی ابا سعید الوجینی، من أهل کش، ثقه، فی من لم یرو عن الأئمة)؛ شیخ طوسی، رجال، ص 6/429؛ خوئی،

ج 11، ص 107.

23. علامه حلی، ص 126.

24. خوئی، همان.

25. شیخ طوسی، رجال، ص 12/402.

26. «لا باس به»، کشی، ص 530 / 1014؛ علامه حلی، ص 153 / 74.

27. علامه حلی، 153.

28. شیخ طوسی، رجال، ص 447.

29. نجاشی، ص 897/334.

30. شیخ طوسی، الفهرست، 607/.

31. شیخ طوسی، رجال، ص 31/379؛ ص 23/391؛ ص 8/402.

راوی دیگر عبدالله المزخرف می‌باشد، شیخ طوسی و نجاشی وی را توثیق کرده اند. نامش عبدالله بن محمد الأسدی الحجال المزخرف، اهل کوفه، کنیه اش ابومحمد، ثقه و از اصحاب امام رضا (ع) است.³²

آخرین راوی در سلسله راویان این روایت حبيب بن المعلل الخثعمی می‌باشد، به گفته نجاشی وی اهل مدائن است و از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نقل روایت کرده است، ثقه و صحیح می‌باشد.³³

در نتیجه راجع به سلسله راویان این روایت باید گفت به جز محمد بن الحسن که چهره‌ای مجهول است، سایر راویان این روایت از سوی بزرگان رجالی شیعه توثیق شده اند. ناگفته نماند که محمد بن الحسن به تنهایی از محمد بن یزید این روایت را ذکر نمی‌کند بلکه وی و عثمان بن حامد در کنار هم هستند و با هم از محمد بن یزید این روایت را گرفته اند و عثمان بن حامد نیز در نزد بزرگان رجالی شیعه توثیق شده است. الله اعلم

روایت دوم

در روایت دوم بازهم مختار و یارانش کذاب معرفی شده‌اند. روایت از این قرار است: «جبریل بن أحمد حدثنی العبیدی قال حدثنی محمد بن عمرو عن یونس بن یعقوب عن أبی جعفر (ع) قال کتب المختار بن أبی عبید إلى علی بن الحسین (علیهما السلام) و بعث إليه بهدایا من العراق فلما وقفوا علی باب علی بن الحسین دخل الأذن یستأذن لهم فخرج إلیهم رسوله فقال أمیطوا عن بابی فإنی لا أقبل هدایا الکذابین و لا أقرأ کتبهم فمحووا العنوان و کتبوا المهدی محمد بن علی فقال أبو جعفر: و الله لقد کتب إلیه بکتاب ما أعطاه فیه شیئا إنما کتب إلیه یا ابن خیر من طشی و مشی فقال أبو بصیر فقلت لأبی جعفر (ع) أما المشی فأنا أعرفه فأی شیء الطشی؟ فقال أبو جعفر (علیه السلام) الحیاء.»³⁴ سلسله راویان این روایت از جبریل بن احمد آغاز می‌شود و به

32. شیخ طوسی، رجال، ص 360/18؛ نجاشی، ص 226/595.

33. نجاشی، ص 368 / 141.

34. «از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: مختار هدایایی را همراه نامه ای از عراق به مدینه خدمت امام سجاد (ع) فرستاد. موقعی که فرستادگان مختار درب منزل امام رسیدند، امام به آنها اجازه ورود به خانه را نداد و فرمود: از در خانه ی من دور شوید! من هدایای دروغگویان را قبول نمی‌کنم و نامه ی آنها را هم نمی‌خوانم. مأموران مختار، سرخط نامه ای را که به نام امام سجاد (ع) بود محو کردند و به جای آن نام محمد حنفیه را گذاشتند و نوشتند: «المهدی محمد بن علی...»

امام باقر (ع) ختم می‌شود. اشخاصی که در سلسله راویان این روایت قرار دارند جبریل بن احمد، العبیدی، محمد بن عمر و یونس بن یعقوب می‌باشند که در این مجال به بررسی جایگاه این افراد در کتب رجال شیعه پرداخته می‌شود.

نخستین راوی این روایت جبریل بن احمد فاریابی است، وی مکنی به ابامحمد، مقیم کش است. شیخ طوسی جبریل را به کثرت روایت از عالمان عراق و قم و خراسان معرفی می‌کند و وی را از کسانی که از امامان روایت نکرده است برمی‌شمارد.³⁵ اولین بار کشی از کتاب او «مفاخر الکوفه و البصره» نام برده است. کشی در متن اصلی کتابش، جبریل فاریابی را به کثرت روایت معرفی می‌کند و او را با اوصافی چون محقق و فاضل ستوده است و می‌گوید او مورد اعتماد است.³⁶ در نتیجه می‌توان گفت که شیخ طوسی و کشی وی را توثیق نموده‌اند.

راوی دیگر محمد بن عیسی عبیدی (العبیدی) می‌باشد. عبیدی ساکن محله‌ی بازار عطش (در قسمت شرقی بغداد میان رصافه و نهر معلی) بود که نسبت وی به بغدادی اشاره به همین مسئله است.³⁷ وی مشهورترین استاد جبریل فاریابی است که بیشترین روایات فاریابی نیز از اوست. وی به عبیدی شناخته می‌شود، چنانکه فاریابی خود در برخی اسناد وی را عبیدی خوانده است. او به کثرت روایت و حسن تألیفات شهرت داشت.³⁸ به گفته نجاشی عبیدی از بزرگان امامی، ثقه و از شاگردان امام جواد (ع) بود، اما شیخ طوسی تضعیف عبیدی را از سوی مشایخ قم گزارش کرده است.³⁹ علامه حلی نیز ضمن اشاره به این اختلاف، وی را در بخش نخست کتابش ذکر کرده است.⁴⁰ احتمالاً دلیل این تضعیف دیدگاهی است که وی را غالی می‌پنداشته و شیخ طوسی آن را گزارش کرده است. احتمال دیگری که می‌رود آنکه پیروی عبیدی از دیدگاه‌های یونس بن عبدالرحمن که از سوی مشایخ قم پذیرفته نبوده سبب این تضعیف بوده

سپس امام باقر (ع) اضافه کرد که: به خدا در نامه‌ی مختار عبارت مناسبی به امام نوشته بود، بلکه نوشته بود: «یا ابن خیرمن مشی وطشی» یعنی ای پسر بهترین کسی که بر زمین راه رفت و زندگی کرد. «کشی، ص 126-127.

35. شیخ طوسی، رجال، ص 418.

36. خوئی، ج 4، ص 352-353.

37. نجاشی، ص 333-334.

38. نجاشی، ص 333.

39. شیخ طوسی، رجال، ص 391.

40. علامه حلی، ص 241-242.

است. معرفی عبیدی با نسبت یونسی اشاره به پیروی او از آرای یونس بن عبدالرحمن دارد.⁴¹ در نتیجه باید گفت عبیدی از سوی نجاشی توثیق شده است ولی شیخ طوسی وی را ضعیف می‌داند. ابوجعفر ابن بابویه وی را غالی می‌داند⁴² ولی ابن داوود، عبیدی را مورد اعتماد می‌داند.⁴³ سومین راوی محمد بن عمرو می‌باشد، شیخ طوسی وی را واقفی و از اصحاب امام کاظم (ع) معرفی می‌کند.⁴⁴ در الخلاصه نیز محمد بن عمرو از اصحاب امام کاظم (ع) و واقفی خوانده شده است.⁴⁵ آیت الله خوئی ذیل عنوان محمد بن عمرو می‌گوید: در اسناد حدود 27 روایت چنین عنوانی (محمد بن عمرو) ذکر شده است، در ادامه به روایانی که از وی نقل روایت کرده اند یا وی از آنها نقل روایت کرده می‌پردازد و می‌افزاید برای تشخیص این شخص باید به کسانی که از وی نقل روایت کرده یا وی از آنها نقل روایت کرده است، توجه شود.⁴⁶

آخرین راوی روایت دوم یونس بن یعقوب می‌باشد، شیخ طوسی وی را از اصحاب امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) برشمرده، و توثیق کرده است.⁴⁷ نجاشی گوید: یونس پسر خواهر معاویه بن عمار است، زیرا که مادرش «منیة» دختر عمار بن ابی‌معاویه دهنی است. او از خواص حضرت صادق (ع) و حضرت کاظم (ع) بوده و از طرف حضرت موسی بن جعفر (ع) و کالت داشته، و در زمان حضرت رضا (ع) در مدینه وفات کرده است. او تصنیفی موسوم به کتاب الحج دارد.⁴⁸ شیخ مفید وی را از فقهای اصحاب حضرت صادق (ع) و حضرت کاظم (ع) دانسته و گوید که او از اعلام رؤسای است که حلال و حرام دین از آنان گرفته شده، و کسی بر آنان طعن نزده، و ایشان صاحبان مصنفات بسیارند.⁴⁹ کشی گوید: یونس بن یعقوب فطحی کوفی در مدینه وفات یافت و امام رضا (ع) او را کفن نمود و حنوط کرد و دستور فرمود، تمام دوستان پدر

41. شیخ طوسی، رجال، ص 391.

42. شیخ طوسی، الفهرست، ص 402.

43. ابن داوود، رجال، ص 509.

44. شیخ طوسی، رجال، ص 344.

45. علامه حلی، ص 16 / 251.

46. خوئی، ج 17، ص 75.

47. شیخ طوسی، رجال، ص 335 و 363 و 394.

48. نجاشی، ص 311.

49. مامقانی، ص 344.

و جدش در مراسم او شرکت کنند و فرمود او را در بقیع به خاک سپارند.⁵⁰ بزرگان علما درباره یونس اختلاف دارند، گرچه بیشترین را عقیده چنین است که او امامی و ثقه بوده است⁵¹ و این گفته شیخ طوسی و نجاشی و فاضل امین و فاضل جزائری است.⁵²

در نتیجه در مورد روایت دوم باید گفت، در مورد دو راوی از راویان این روایت یعنی محمد بن عیسی عبیدی و محمد بن عمرو تا حدودی اختلاف وجود دارد ولی دو راوی دیگر یعنی جبریل بن احمد و یونس بن یعقوب از سوی بزرگان رجالی شیعه توثیق شده اند.

روایت سوم

روایت دیگری که تصویری مذمت گونه از مختار ثقفی ارائه می‌دهد روایتی است که کشی نقل کرده است. این روایت حکایت از تغییر عقاید مختار ثقفی دارد. روایت چنین است: «محمد بن مسعود قال حدثنی ابن ابی علی الخزاعی قال خالد بن یزید العمری عن الحسین بن زید عن عمر بن علی إن المختار أرسل إلى علی بن الحسین (ع) بعشرين ألف دينار فقبلها و بنا بها دار عقیل بن ابی طالب و دارهم التي هدمت قال ثم إنه بعث إليه بأربعين ألف دينار بعد ما أظهر الكلام الذي أظهره فردها و لم يقبلها.»⁵³ سلسله راویان این روایت از محمد بن مسعود آغاز می‌شود و به عمر بن علی فرزند امام سجاد (ع) ختم می‌شود. نخستین راوی محمد بن مسعود است، شیخ طوسی وی را از اصحاب امام باقر (ع) برمی‌شمرد.⁵⁴ آیت الله خوئی محمد بن مسعود، را همان محمد بن مسعود العیاشی می‌داند.⁵⁵ نجاشی از وی با تعبیری همچون ثقه، صدوق، عین من عیون الطائفة یاد می‌کند، در ادامه می‌افزاید که وی از ضعفاء بسیار روایت می‌کند، در

50. خوئی، ج 20، ص 328.

51. علامه حلی، ص 89.

52. مامقانی، ص 344.

53. «عمر بن علی فرزند امام سجاد (ع) گوید: مختار مبلغ 20 هزار دینار برای امام سجاد (ع) فرستاد و حضرت این پول را قبول کرد و با آن خانه ی عقیل بن ابی طالب و خانه های سایر بنی هاشم را که مخروبه شده بود تعمیر و بازسازی کرد. سپس می گوید: پس از آن نیز مختار مبلغ 40 هزار دینار برای امام فرستاد و این زمانی بود که مختار اظهارات ناروایی داشت و امام از عقیده ی باطنی او باخبر شده بود. امام این بار پول را نپذیرفت.» کشی ص 128.

54. شیخ طوسی، رجال، ص 35.

55. خوئی، ج 17، ص : 224.

ابتدا عامی المذهب بوده و سپس مستبصر شده است.⁵⁶ علامه حلی نیز در الخلاصه وی را ثقه، صدوق و از بزرگان می‌داند.⁵⁷

دومین راوی ابن ابی علی الخزاعی (علی بن علی بن رزین) است، وی مکنی به ابوالحسن و برادر دعبل خزاعی می‌باشد. حدیثش شناخته نیست مگر به واسطه فرزندش اسماعیل و نیز دارای کتابی کبیر از امام ضاع(ع) است.⁵⁸ آیت الله خوئی در معجم رجال الحدیث از کشی نقل می‌کند که علی بن علی بن رزین از اصحاب امام رضا(ع) بوده است.⁵⁹

راوی دیگر خالد بن یزید العمری می‌باشد، در مورد این راوی مطلبی در کتب رجال شیعه یافت نشد.⁶⁰ در کتب رجال اهل تسنن نیز این عنوان یافت نشد. البته اسامی بسیاری با عنوان خالد بن یزید یافت شد، ولی قابل تطبیق با خالد بن یزید العمری نبودند.

چهارمین راوی در سلسله سند این روایت الحسین بن زید بن علی است. وی از اصحاب امام صادق (ع) بوده است⁶¹ و ملقب به ذالدمعه. آیت الله خوئی در معجم رجال الحدیث در مورد وی می‌نویسد. در سلسله سند 14 روایت عنوان الحسین بن زید وجود دارد که در جمیع آنها به جز در یک مورد از امام صادق (ع) نقل روایت کرده است.⁶²

آخرین راوی عمر بن علی بن الحسین (ابن علی بن ابی طالب (ع) می‌باشد. شیخ طوسی وی را مدنی، تابعی و از اصحاب امام صادق (ع) می‌داند.⁶³ شیخ مفید در الارشاد وی را فاضل، جلیل خوانده است.⁶⁴ آیت الله خوئی نیز به نقل از شیخ طوسی وی را از اصحاب امام باقر (ع) ذکر کرده است.⁶⁵

56. نجاشی، ص 351.

57. علامه حلی، ص 145.

58. نجاشی، ص 727 / 276.

59. خوئی، ج 12، ص 101.

60. نک: رجال شیخ طوسی؛ الفهرست شیخ طوسی؛ رجال نجاشی؛ رجال الکشی؛ رجال البرقی؛ الخلاصه علامه حلی؛ رجال ابن داوود.

61. شیخ طوسی، رجال، ص 182 / 55.

62. خوئی، ج 5، ص 240.

63. شیخ طوسی، رجال، ص 252 / 449.

64. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ترجمه ساعدی خراسانی (تهران: اسلامیه، 1380)، ص 170.

65. خوئی، ج 13، ص 48.

روایت چهارم

روایتی دیگر که باز هم مختار را مذمت کرده است، روایتی است که از امام صادق (ع) نقل شده است و به گونه‌ای باز هم مختار را شخصی کذاب معرفی می‌کند. اصل روایت چنین است: «سعد بن عبد الله قال حدثني محمد بن خالد الطيالسي عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن ابن سنان قال قال أبو عبد الله (ع) إنا أهل بيت صادقون لا نخلو من كذاب يكذب علينا فيسقط صدقنا بكذبه علينا عند الناس كان رسول الله (ص) أصدق البرية لهجةً و كان مسيلمهً يكذب عليه و كان أمير المؤمنين (ع) أصدق من برأ الله من بعد رسول الله (ص) و كان الذي يكذب عليه و يعمل في تكذيب صدقه بما يفترى عليه من الكذب عبد الله بن سبا لعنه الله و كان أبو عبد الله الحسين بن علي (ع) قد ابتلى بالمختار ثم ذكر أبو عبد الله: الحارث الشامي و بيان فقال كانا يكذبان على علي بن الحسين (ع) ثم ذكر المغيرة بن سعيد و بزيعا و السرى و أبا الخطاب و معمرا و بشارا الأشعري و حمزة البربري و صائد النهدي فقال: لعنهم الله إنا لا نخلو من كذاب أو عاجز الرأي كفانا الله مؤنثه كل كذاب و أذاقهم الله حر الحديد.»⁶⁶ سلسله راویان این روایت از سعد بن عبدالله آغاز و به امام صادق (ع) ختم می‌شود. این روایت از لحاظ محتوایی نقدهایی بر آن وارد شده که البته قابل پاسخ‌گویی می‌باشند، آنچه در اینجا به بررسی آن می‌پردازیم جایگاه راویان این روایت در کتب رجالی شیعه است نه نقد محتوایی آن.

66. «ابن سنان از ابو عبدالله (امام صادق علیه السلام)) روایت کرده که فرمودند: براستی ما اهل بیت، راستگویانی هستیم که از دروغ‌گویی که بر علیه ما دروغ می‌بندد و با دروغش [اثر] صدق ما را نزد مردم ساقط می‌کند در امان نیستیم؛ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در سخن، راستگوترین مردم بود که مسيلمه بر ایشان دروغ می‌بست، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) راستگوترین آفریده‌های خدا بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله) بود و آن کسی که بر ایشان دروغ می‌بست و در مسیر تکذیب ایشان - به واسطه دروغ‌هایی که بر ایشان افترا می‌بست - تلاش می‌کرد، عبدالله بن سبا بود که خدا او را لعنت نماید، و ابو عبدالله الحسين بن علی (علیه السلام) مبتلا به مختار بود. پس از آن حضرت ابو عبدالله (امام صادق علیه السلام)) حارث شامی و بنان را یاد آوری نمود و فرمود: حارث و بنان بر علی بن الحسین (علیهما السلام) دروغ می‌بستند، سپس از مغیره بن سعید و بزيعا و سري و ابا الخطاب و معمر و بشار اشعری (شعیری) و حمزة بربري و صائد نهدي یاد کرد و فرمود: خدا آنها را لعنت کند، براستی ما از دروغگو یانی که بر ما دروغ می‌بندند و کسانی که در فکر و عقیده ناتوان هستند در امان نیستیم، خداوند ما را از شر آنها حفظ کند و سوزش آهن را به ایشان بچشانند.»؛ کشی، ص 305؛ محمدمباقر بن محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، ج 2 (طهران: بیروت، بی تا)، ص 218.

نخستین راوی سعدبن عبدالله می‌باشد. آیت الله خوئی می‌گوید این عنوان در اسانید بسیاری که به 308 مورد می‌رسد، ذکر شده است، سپس افرادی که از وی نقل روایت کرده و یا وی از آنها نقل روایت کرده، را ذکر می‌کند. در ادامه ملاک تشخیص سعد بن عبدالله را بر قرینه‌الراوی و المرووی عنہ قرار می‌دهد.⁶⁷ شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسین (ع) بر می‌شمرد.⁶⁸ البته مشخص نیست که سعد بن عبدالله مورد نظر شیخ طوسی همین سعدبن عبدالله باشد. در نتیجه باید گفت عبدالله بن سعد موجود در سلسله راویان این روایت برای ما مجهول است.

راوی دیگر محمد بن خالد الطلیالی است. وی محمد بن خالد بن عمر الطلیالی التیمی، مکنی به ابو عبدالله و ساکن کوفه است، کتابی به نام نوادر دارد.⁶⁹ شیخ طوسی وی را از اصحاب امام کاظم (ع) بر شمرده است و او را در در شمار کسانی ذکر کرده که از ائمه روایت نقل نکرده اند.⁷⁰

سومین راوی عبدالرحمن ابن ابی نجران می‌باشد، نجاشی وی را توثیق نموده است. وی از امام رضا (ع) نقل روایت کرده و پدرش ابونجران نیز از امام صادق (ع) نقل روایت کرده است.⁷¹ شیخ طوسی وی را از اصحاب امام رضا (ع)⁷² و امام جواد (ع)⁷³ بر می‌شمارد. علامه حلی نیز وی را توثیق نموده است.⁷⁴

راوی بعدی ابن سنان است، شیخ طوسی گوید: گاهی محمد بن سنان⁷⁵ و گاهی عبدالله بن سنان⁷⁶ بر وی اطلاق شده است. شیخ طوسی وی را ثقه می‌داند⁷⁷ و وی را جلیل و از

67. خوئی، ج 8، ص 44 و 45.
 68. شیخ طوسی، رجال، ص 101 / 7.
 69. نجاشی، ص 340 / 910.
 70. شیخ طوسی، رجال، ص 343 / 26.
 68. نجاشی، ص 235 / 622؛ علامه حلی، ص 115.
 69. شیخ طوسی، رجال، ص 360 / 9.
 70. شیخ طوسی، ص 376 / 6.
 74. علامه حلی، ص 114.
 75. کتبی، ص 502 / 963؛ نجاشی، ص 328 / 888؛ شیخ طوسی، رجال، ص 344 / 39 و 364 / 7 و 377 / 3؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص 131 / 591.
 76. کتبی، ص 410 / 770؛ نجاشی، ص 214 / 558؛ شیخ طوسی، رجال، ص 264 / 687 و 339 / 14؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص 101 / 434.

اصحاب امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) ذکر می‌کند.⁷⁸ کسی نیز وی را از ثقات امام صادق(ع) برمی‌شمرد.⁷⁹ نجاشی و علامه حلی نیز وی را ثقه می‌دانند و گویند وی از بزرگان اصحاب است که هیچ طعنی بر او وارد نیست.⁸⁰ در نتیجه باید گفت راویان این روایت به جز سعدبن عبدالله که برای ما مجهول است، مابقی توثیق شده‌اند.

روایت پنجم

در بحار الانوار روایتی وجود دارد که مختار را فردی معرفی می‌کند که در جهنم قرار گرفته و سپس به‌وسیله امام حسین(ع) نجات یافته است. متن روایت از این قرار است: «أبان بن تغلب عن جعفر بن إبراهيم عن زرعة عن سماعة قال سمعت أبا عبدالله ع يقول إذا كان يوم القيامة مر رسول الله بشفير النار و أمير المؤمنين و الحسن و الحسين فيصيح صائح من النار يا رسول الله أغثنى يا رسول الله ثلاثا قال فلا يجيبه قال فينادى يا أمير المؤمنين يا أمير المؤمنين ثلاثا أغثنى فلا يجيبه قال فينادى يا حسين يا حسين يا حسين أغثنى أنا قاتل أعدائك قال فيقول له رسول الله قد احتج عليك قال فينقض عليه كأنه عقاب كاسر قال فيخرجه من النار قال فقلت لأبي عبد الله ع و من هذا جعلت فداك قال المختار قلت له و لم عذب بالنار و قد فعل ما فعل قال إنه قال كان في قلبه منهما شيء و الذي بعث محمدا بالحق لو أن جبرئيل و ميكائيل كان في قلبيهما شيء لأكبهما الله في النار على وجوههما.»⁸¹ سلسله راویان این روایت از ابان بن تغلب شروع شده و به امام صادق(ع) ختم می‌شود. اکنون به به جایگاه این افراد در کتب رجالی شیعه می‌پردازیم.

77. شیخ طوسی، الفهرست، ص 292.

78. همان، ص 291.

79. کسی، ص 410.

80. نجاشی، ص 214؛ علامه حلی، ص 105.

81. «از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: پیامبر(ص) هنگام عبور از پل صراط درحالی که علی و حسن و حسین(ع) پشت سر او بودند به وسط پل که رسیدند، مختار از ته جهنم فریاد می‌زد: یا حسین! یا ابابا عبدالله! من خونخواه توبودم! در اینجا پیامبر(ص) به امام حسین(ع) می‌فرماید: جوابش را بده، امام حسین(ع) ناگهان مانند عقاب شکاری خود را به قلب آتش می‌زند و مختار را از آن بیرون می‌کشد، درحالی که بدنش سیاه شده بود و اگر قلبش را می‌گشود محبت آن دو در آن بود.» مجلسی، ج 45، ص 339.

نخستین راوی این روایت ابان بن تغلب است. وی از شاگردان برجسته امام سجاد (ع) است که علما و رجال شیعه و سنی به اخبار و روایات او اعتماد داشته‌اند. او امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را ملاقات، و از آنها روایات زیادی را نقل کرده است. او از برگزیدگان فقه و ادبیات عرب و سرآمد قاریان قرآن بود. کتاب‌هایی تألیف کرده از جمله: تفسیر غریب القرآن و کتاب الفضائل. ابان قرائت منحصر به فردی در قرآن داشت که هم‌اکنون نزد قاریان قرآن مشهور است. شیخ طوسی در مورد او گفته است: وی امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را درک کرده است، او قابل اعتماد است و در میان اصحاب ائمه (ع) منزلت عظیمی دارد. نجاشی او را دارای جایگاهی عظیم می‌داند. میزان امانت‌داری ابان بن تغلب آن چنان است که عده ی زیادی از علمای اهل سنت با اقرار به شیعه بودن او، روایاتش را مورد اعتماد دانسته‌اند و از او حدیث نقل کرده‌اند؛ علمایی نظیر نسائی، حاکم، ابن سعد، ذهبی. او در زمان حیات امام صادق (ع) در سال 141 وفات کرد.⁸² کشی در رجالش گفته: وی ثقه و امامی مذهب بوده است.⁸³ از امتیازات ابان بن تغلب آن است که دانشمندان شیعه و سنی بر وثاقت او متفق القولند و به تشیع او اعتراف کرده‌اند. یاقوت حموی درباره‌ی او گفته است که ابان بن تغلب لغوی، فقیه، امامی مذهب، ثقه و جلیل‌القدر بود.⁸⁴

راوی دیگر جعفر بن ابراهیم می‌باشد، شیخ طوسی وی را از اصحاب امام هادی (ع) و امام صادق (ع) برشمرده است.⁸⁵ به گفته نجاشی وی از ابی عبدالله و ابی الحسن (ع) روایت کرده و ثقه است.⁸⁶ علامه حلی نیز وی را توثیق کرده است.⁸⁷

سومین راوی زُرعه می‌باشد، وی، زرعه بن محمد، مکنی به ابومحمد الحضرمی است. نجاشی وی را توثیق نموده و افزوده است که وی از ابی عبدالله و ابی الحسن (ع) روایت کرده است و سپس واقفی شد.⁸⁸ کشی در رجالش گفته: زرعه در روایت مذموم است.⁸⁹ به گفته شیخ

82. خوئی، ج 1، ص 143.

83. کشی، ص 45.

84. اسد حیدر، الامام الصادق والمذاهب الاربعه، ج 2 (بیروت: دار الكتاب الاسلامی، 1425)، ص 60-55.

85. شیخ طوسی، رجال، ص 384 / 2.

86. نجاشی، ص 183.

87. علامه حلی، ص 33.

88. نجاشی، ص 466 / 176.

89. کشی، ص 447.

طوسی او از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بوده است. برقی هم او را از اصحاب امام کاظم (ع) برشمرده است.⁹⁰ شیخ طوسی او را واقفی مذهب برشمرده است.⁹¹ به گفته علامه یحیی حلی او زرعه بن محمد ابومحمد حضرمی است، ثقه، واقفی است و از ابی عبدالله و ابی الحسن (ع) روایت کرده است.⁹²

آخرین راوی این روایت سماعه (سماعه بن مهران بن عبد الرحمن) است، شیخ طوسی او را واقفی می‌داند.⁹³ نجاشی او را امامی مذهب برشمرده و توثیق نموده و به واقفی یا عدم واقفی بودن او اشاره ای نکرده است.⁹⁴ علامه حلی نیز وی را توثیق نموده و واقفی می‌داند.⁹⁵

نتیجه گیری

حاصل آنکه، در پنج روایت منتخب، مختار شخصیتی کذاب و داری عقیده باطل معرفی شده که به جهنم رفته و سپس توسط امام حسین (ع) نجات یافته است. یافته‌های این پژوهش توثیق اکثری راویان روایات ذمّ مختار ثقفی در کتب رجالی شیعه را نشان می‌دهد. از 23 راوی ای که در سلسله سند این روایات وجود داشت، 16 راوی توثیق شده و 7 راوی دیگر مجهول یا اختلافی هستند.

کتابنامه

- ابن غضائری، احمد بن حسین. *رجال ابن الغضائری*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، 1364 ه. ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. *رجال البرقی*. تهران: دانشگاه تهران، 1383 ه. ق.
- حلی، تقی الدین ابو محمد حسن بن علی بن داوود. *رجال ابن داود*. تهران: دانشگاه تهران، 1383 ه. ق.
- حموی، یاقوت. *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر، 1995.

90. خوئی، ج 7، ص 263.

91. شیخ طوسی، رجال، ص 337.

92. علامه حلی، ص 224.

93. شیخ طوسی، رجال، ص 337.

94. نجاشی، ص 193.

95. علامه حلی، ص 228.

- حیدر، اسد. **الامام الصادق والمذاهب الاربعة**. ج 2. بیروت: دار الكتاب الاسلامی، 1425.
- الخوئی، السید ابوالقاسم. **معجم رجال الحديث**. قم: مرکز نشر آثار شیعه، 1410 ه ق.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن. **الفهرست**. نجف: المكتبة المرتضوية، بی تا.
- _____ . **رجال الشيخ الطوسی**. نجف: انتشارات حیدریه، 1381 ه ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. **الخلاصة العلامة الحلی**. قم: دار الذخائر، 1411 ه ق.
- کشی، محمد بن عمر. **رجال الکشی**. مشهد: دانشگاه مشهد، 1348 ه ش.
- مامقانی، عبدالله. **تنقیح المقال**. ج 3. نجف: مطبعة مرتضویه، 1349.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. **بحار الانوار**. طهران: بیروت، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد. **الارشاد**. ترجمه ساعدی خراسانی. تهران: اسلامی، 1380.
- نجاشی، احمد بن علی. **رجال النجاشی**. قم: جامعه مدرسین، 1407 ه ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی